



اسماعیل حدّادیان مقدّم

ترجمه پژوه و مترجم

## نگاهی انتقادی به

## فصلنامه مترجم: مشکلات و راهکارها

### مقدمه

فصلنامه مترجم که اینک بیستمین سال انتشار خود را طی می‌کند، تصویری تقریباً نزدیک به واقعیت ترجمه را در ایران دو دهه گذشته نشان می‌دهد. دسترسی به مجموعه کامل این نشریه، برای تحقیق درباره ترجمه در ایران لازم است و محققان ترجمه بی نیاز از آن نیستند. در طی این مدت، مقالات تالیفی و ترجمه مهمی در آن به چاپ رسیده است. در این مقاله بر آنم تا به مناسبت آنکه خود از نزدیک دستی در انتشار این فصلنامه داشته‌ام، نکاتی را که گمان می‌کنم توجه به آنها برای ادامه حیات مترجم لازم است، بیان دارم. من این نکات را به پنج دسته خاستگاه نشریه، ویراستاری، گرافیک و طراحی، جایگاه مالی نشریه و راهکارهای ممکن تقسیم کرده‌ام. امید است این نشریه بتواند با ارتقای کیفی خود به رشد علمی رشته تازه تاسیس «مطالعات ترجمه» کمک کند و فاصله میان نظریه پردازان ترجمه و مترجمان را در ایران کم کند.

### خاستگاه مترجم

فصلنامه مترجم، فصلنامه‌ای علمی و فرهنگی است. این یعنی اینکه «پژوهشی» و یا «ترویجی» نیست. این برای مترجم چند حُسن داشته و البته خالی از عیب هم نبوده است. حُسن اول اینکه توانسته با انعکاس آراء مترجمان و اخبار ترجمه، جای خالی نشریه‌ای معتبر درباره ترجمه را در ایران پر کند. از باب مثال، نقدهای ترجمه‌ای که در مترجم منتشر شده است، بیشتر به معیارهای مطلوب نقد ترجمه نزدیک بوده است تا دهها نقد ترجمه‌ای که در

جاهای دیگر منتشر می شوند و منتقدان آنها اغلب جز گزافه‌گویی کاری نکرده‌اند. دیگر اینکه از نویسندگانی مقاله منتشر کرده که یا مقاله به نشریات مصوّب نمی دهند، یا مقالاتشان به سبب سبک و ساختار نگارش آن‌ها نمی‌تواند در این دست نشریات منتشر شود، اما به علت اهمیتی که دارند، و یا گاه به خاطر شهرت نویسنده آن‌ها در مترجم به چاپ رسیده‌اند.

اما در باب اینکه چرا مترجم دارای چنان رتبه‌ای نیست، سردبیر مترجم مطلبی را در یکی از شماره‌های چند سال پیش نوشته است. گمان کنم آن مطلب هم چنان معتبر است. اگر معیارهای رتبه‌بندی نشریات از همان سنخی باشد که وزارت علوم در مورد رتبه‌بندی برخی از دانشگاه‌های خارج از ایران اعمال می‌دارد، نباید چندان گله کرد. سایت «بانک اطلاعات نشریات کشور» در حال حاضر سراغ از ۸۳۸ عنوان نشریه علمی مصوّب در رشته‌های مختلف از جمله رشته علوم انسانی می‌دهد.

۱. گمان کنم در همان یادداشت، سردبیر مترجم به برخی از کارهایی که انجام داده تا نظر مثبت اولیای امور را جلب کند، اشاره کرده است. از جمله این کارها رایه خلاصه مقالات به زبان انگلیسی در پایان فصلنامه و نیز تشکیل اعضای هیات تحریریه بوده است. از این دو، تنها اثری از آخری در نشریه باقی است که در جای دیگر به آن خواهیم پرداخت. اما چرا مترجم هم چنان اصرار دارد تا بی‌رتبه بماند، باید سردبیر مترجم توضیح دهد. من بر این باورم که مترجم باید با اتخاذ دو راهبرد تازه، ضمن اخذ مصوّبه لازم، هم چنان به چاپ مقالاتی بپردازد که با معیارهای مقاله علمی سازگار نیست. در باب این موضوع در بخش راهکارها بحث خواهیم کرد.

مشکل رتبه‌بندی نشریات و معیارهای متفاوت فقط مختص ایران نیست. اخیراً رتبه‌بندی یکی از نهادهای علمی سرشناس در اروپا (ERIH) از نشریات رشته مطالعات ترجمه باعث اعتراض شد.

۲. به ظاهر کارشناسانی با پیشینه‌های زبان‌شناسی و ادبیات و نه مطالعات ترجمه دست به رتبه‌بندی نشریات مطالعات ترجمه زده‌اند. در رتبه‌بندی سال ۲۰۱۱ این نهاد، نشریات به سه گروه کلی «بین‌المللی با درجه رویت بالا»، «بین‌المللی با درجه رویت شاخص»، و «ملّی با درجه رویت مطلوب در کشور مرتبط» تقسیم بندی شده است. مثلاً در سال ۲۰۱۱ تنها سه نشریه «تارگت»، «ترانسلیتر» و «ترجمه ماشینی» دارای رتبه بین‌المللی با درجه رویت بالا شناخته شدند. در پی این موضوع، «انجمن اروپایی مطالعات ترجمه و بنیاد علم اروپا»، و چند بنیاد و انجمن دیگر با ارایه دلایل متقن خواستار آن شدند تا چند صاحب‌نظر مطالعات ترجمه در رتبه‌بندی‌های جدید دعوت شوند و استقلال رشته مطالعات ترجمه به رسمیت شناخته شود. این نکته را به این علت گفتم که مبادا گمان شود رتبه‌بندی‌ها همیشه با پیش‌دوری همراه بوده

است. گاه باید اطلاعات لازم را در اختیار تصمیم‌گیرندگان گذاشت و گاه هم، چنانچه اغلب رسم امور است، سماجت به خرج داد. البته منکر آن نیستیم که چنین کارهایی در ایران به دلایل مختلف می‌تواند تحت تاثیر موضوعاتی حاشیه‌ای قرار بگیرد. تصوّر کنید نهادی که از آن یاد کردیم تصمیم بگیرد که تمام آن ۸۳۸ نشریه رتبه‌دار علمی ایران را دوباره رتبه‌بندی کند. فکر می‌کنید حاصل چه خواهد بود؟

## ویراستاری

در این مقاله، منظور من از ویراستاری، تنها ویرایش زبانی و یا ادبی مقالات و یا ترجمه‌ها نیست، هر چند می‌توان آنها را هم بخشی از کار ویراستاری دانست. منظور من از ویراستاری، فرایند نگارش، ارسال، دریافت، داوری، نسخه‌پردازی، تصحیح و چاپ مقالات است. یکی از مشکلات اصلی مترجم، نداشتن سیاست مشخص ویراستاری است.

زمانی مترجم به پاگیزی رسم الخط شهرت داشت. آن زمان سردبیر مترجم خود دانشجویی غربت‌نشین بود و آدم فروتنی مثل علیرضا نوری گرمرودی که شاید کمتر کسی حالا از او یادی می‌کند، مواظب کلمات و ترکیب آنها و چاپ نشریه بود. مترجم حتی جایزه‌ای را هم به همین دلیل از آن خود کرد. مدتی بعد از رفتن نوری گرمرودی، تعداد خطاهای فاحش ویراستاری در مترجم زیاد شد که گاه بیش از حد به چشم می‌آمد. اما این همه مشکل نیست. نویسندگانی که می‌خواهد برای مترجم مقاله بنویسد باید بدانند از چه رسم الخطی پیروی کند. جدا از اختلاف نظرهای تاریخی دستورنویسان فارسی درباره شکستن و یا نشکستن، چسباندن و یا نجسباندن، جدانویسی و یا سرهم‌نویسی، زبان فارسی فرهنگستانی دارد که درست یا نادرست رسم الخطی را تهیه کرده و از آن استفاده می‌شود. به کاربردن این رسم الخط، درست یا نادرست، به مترجم نظم می‌دهد، به نویسنده قدیمی آن پیام می‌دهد که باید رسم نشریه را رعایت کند، و به نویسنده تازه‌کار آن گوشزد می‌کند که یکی از شرایط پذیرش مقاله، پیروی از رسم الخط است. اما بحث رسم الخط که از آن صحبت می‌کنم، فراتر از شکستن یا نشکستن است. اگر به رسم الخط چند نشریه معتبر مطالعات ترجمه نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که برای تمام اجزای مقاله، دستورالعمل خاصی در نظر گرفته شده است. مثلاً در نشریه معتبر «تارگت» که اینک ۲۳ سال از انتشار آن می‌گذرد و معتبرترین و اثرگذارترین نشریه مطالعات ترجمه است، مطابق با رسم الخط، عنوان مقاله جای مشخصی دارد، یا فاصله بین سطور مشخص است، و یا اندازه



عناوین فرعی و فاصله آنها از خط بالا و پایین معلوم است. هم چنین است نحوه مرتب کردن منابع و دهها نکته مهم دیگر. به همه آنها باید نکات ساده نگارشی را هم اضافه کرد که معمولاً ناظر بر ساده نویسی، پرهیز از اطناب و مستند بودن مقاله است.

در نبود چنین رسم الخطی نویسنده‌ها و مترجمان هر یک به میل خود و به پیروی از قواعد درست و یا نادرست عمل کرده‌اند. حاصل این بی‌نظمی آن بوده که بار ویراستاری مقالات بیشتر بر عهده سردبیر بوده، و حروفچین هم مجبور بوده با قلم‌ها و قالب‌های مخالف کار کند. بی‌شک، اینها همه وقت و هزینه‌بردار بوده‌اند.

### جایگاه مالی نشریه

یکی دیگر از مشکلات اساسی مترجم، استقلال مالی آن بوده است. هزینه‌های مترجم تا جایی که من خبر دارم بر عهده سردبیر آن است. افراد زیادی در این مدت هر یک به تناسب، سهمی در انتشار آن بر عهده داشته‌اند. خیلی‌ها نیز بدون هیچ گونه چشم‌داشت مالی به خاطر علاقه‌شان به ترجمه به انتشار آن کمک کرده‌اند. من معتقدم بخشی از مشکلاتی که در بالا به آنها اشاره کردم، به دلیل نبود سیاست مشخص مالی در آن است. مترجم پولی به نویسنده‌های خود پرداخت نمی‌کند و من سراغ ندارم نویسنده‌ای هم طلب پول کرده باشد. اما باید به کسانی که دستی در انتشار مترجم دارند، دستمزدی منصفانه پرداخت. مترجم اگر نتواند به لحاظ مالی روی پای خود بایستد باید فکر چاره کند. اما اگر می‌خواهد به انتشار خود ادامه دهد، باید آگاهانه تصمیم‌گیری کند.

### طراحی گرافیک

مترجم چندین بار دستخوش تغییرات گرافیکی بوده است. من به دلیل اینکه در حال حاضر به آرشو کامل نشریه دسترسی ندارم، نمی‌توانم به طور دقیق به ترسیم این تغییرات بپردازم. از تغییر در طرح عنوان گرفته تا قالب مقالات و سر صفحه‌ها. اخیراً هم که تغییری بنیادی در طراحی آن صورت گرفته است. نشریه چه به روش فعلی ادامه پیدا کند و چه به سمت مصوب شدن گام بردارد، نیاز به سیاست مشخص طراحی دارد. باید برای تمام اجزای صفحات آن، نوع قلم، اندازه حواشی مقاله، نوع عکس‌ها و از این قبیل دستور العمل تهیه کند و بر اجرای دقیق آنها نظارت کند. گمان من آن بر این است که مترجم نباید به سمت استفاده افراطی از عکس پیش برود. ما مجلات فرهنگی داریم که به قدر کافی به انتشار عکس می‌پردازند. مترجم به خاطر موضوع اختصاصی آن، باید در استفاده از عکس احتیاط به خرج دهد و چنانچه

قصد بر مصوّب شدن دارد، استفاده از عکس در آن باید به حداقل برسد. استفاده از عکس نویسندگانها هم موضوعی است که هنوز فاقد سیاست مشخصی است.

## راهکارها

آنچه در زیر می‌آید، چند پیشنهاد است که می‌تواند در ارتقاء سطح علمی مترجم اثرگذار باشد: تعیین خط مشی کلی نشریه درباره کسب رتبه علمی/ پژوهشی. دو راه بیشتر به نظر می‌رسد. یا با تغییر رویه کلی و پیروی از معیارهای خواسته شده، به تدریج زمینه را برای رسیدن به این رتبه فراهم کرد. یا اینکه همین راه فعلی ادامه پیدا کند. من گزینۀ اول را انتخاب می‌کنم، البته با ملاحظات. حرکت به این سمت باید به تدریج صورت بگیرد، اما در بلندمدت به نفع نشریه و خوانندگان آن خواهد بود. دفاع من از این گزینه به این معنا نیست که من از سردبیر مترجم بخواهم نشریه را به کاغذ باطله‌ای تبدیل کند که کمتر کسی آن را می‌خواند، چه برسد به اینکه اثری چشم‌گیر بر ارتقای سطح علمی رشته مربوطه داشته باشند. من صد درصد مخالف این موضوع ام. اما برای اینکه مترجم، جاذبه خود را و خواننده‌های عمومی‌تر خود را نیز حفظ کند، پیشنهاد می‌کنم تا مترجم در هر شماره ضمیمه‌ای را (چه در انتهای هر شماره، یا به صورتی جداگانه) منتشر کند و در آن، آنچه را که با موازین معیار مقالات علمی تناسب ندارد، اما مطالبی سودمند و مفید برای خواننده‌ها هستند، به چاپ برساند. اخبار ترجمه و مترجمان، گفت و گو با مترجمان و ناشران از این دست‌اند. اما اگر مترجم بخواهد همین رویه را ادامه دهد، باید بسیار مراقب باشد. اخیراً مطالبی در نشریه منتشر شده که بیشتر به درد روزنامه‌ها می‌خورند نه نشریه مترجم. هم چنین است ترتیب آنها در هر شماره. معمولاً رسم بر آن است تا مقالات تالیفی و مستند در صفحات آغازین باشند و سپس مقالات با اهمیت کمتر. مترجم باید بسیار مراقب باشد تا فریب نام‌ها را نخورد و در انتخاب مطالب غیر علمی دقت کند. تهیه قالب نگارش مقالات به صورتی که نویسندگان با دانلود آن و یا دریافت آن از نشریه، بتوانند در جای مناسب عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی خود، خلاصه مقاله، و... را تایپ کنند. در این قالب، نحوه ارجاع دادن، نحوه ردیف کردن منابع و بسیاری از نکته‌های ریز دیگر توضیح داده شده است. نشریه زبان و زبانشناسی از چنین قالبی استفاده می‌کند که می‌تواند الگویی برای مترجم باشد. استفاده از این قالب باعث صرفه‌جویی در وقت و هزینه‌های مترجم خواهد شد.

تعیین رسم‌الخط دقیق و چاپ آن در فصلنامه. بهتر آن است که این رسم‌الخط در صفحه‌ما قبل آخر در داخل جلد چاپ شود.



تشکیل «شورای سردبیری» متشکل از افراد صاحب نظر و مسئولیت پذیر که واقعا برای نشریه وقت می گذارند و نامشان صرفا برای اعتبار نام آن‌ها منتشر نشده است. بی تعارف بگویم برای من هنوز معلوم نیست افرادی که اینک نامشان در نشریه ذیل این عنوان منتشر می شود، واقعا چه کاری می کنند و تا چه حد با مباحث روز مطالعات ترجمه آشنایی دارند.

تشکیل «شورای مشاوران» شامل صاحب نظرانی در زمینه مطالعات ترجمه، ادبیات فارسی، زبان شناسی، تاریخ، مطالعات تطبیقی، ترجمه ادبی، ترجمه شفاهی و مترجمان بومی ساز.

تعیین سیاست مشخص در دریافت، بررسی و ارزیابی مقالات دریافت شده. به تناسب می توان هر مقاله را به دو یا سه عضو شورای مشاوران فرستاد و در صورت تایید طبق خط مشی ادامه یابد. مقاله دریافتی معمولا یا قابل چاپ است، یا نیاز اندکی به ویرایش دارد که باید بررسی به طور دقیق این موارد را در نامه خود خطاب به سردبیر اعلام کند. یا هم اینکه مقاله قابل چاپ نیست که در این صورت هم دلایل باید به صورت مکتوب به نویسنده اعلام شود.

جدا کردن مقالات غیر علمی، گفت و گوها و اخبار ترجمه در بخش ضمیمه مترجم. مشارکت فعال نویسنده ها در فرایند چاپ مقالات خود. اگر نویسنده ها مقالات خود را طبق معیارهای نشریه ارسال دارند، آن گاه در صورت تصویب مقاله، می توان نویسنده را به طور فعال در فرایند چاپ مقاله سهیم کرد. این کار بدین صورت انجام می شود که اگر مقاله نیاز به اصلاح و یا تجدید نظر داشته باشد، به نویسنده برگشت داده می شود. در صورت تصویب، مقاله برای تایید دوباره به سردبیر فرستاده می شود و بعد در اختیار مدیر تولید و یا فرد مربوط قرار می گیرد. مقاله بار دیگر پیش از اینکه نهایی شود، به نویسنده ارسال می شود تا از همه حیث بازبینی شود. در این مرحله که متاسفانه در مترجم اعمال نمی شود، نویسنده ها اغلب خود مراقبت می کنند تا مقاله شان خالی از غلط های تایپی باشند. غلط های تایپی نشریه مترجم در چند سال اخیر اغلب به این دلیل است که مقالات پیش از چاپ به دقت خوانده نمی شوند. این مشکل چند سال است به شدت آزاردهنده شده است.

## حرف آخر

آنچه در بالا به آن اشاره شد، شاید در نگاه برخی آرمان گرایانه باشد و شاید هم به نظر حساسیت بیش از حد. شاید برخی نیز فکر کنند که من از دور دستی بر آتش داشته ام و از

خیلی از چیزها بی اطلاع هستیم. اما این چنین نیست. سردبیر مترجم از میزان ارادت من به ایشان و فصلنامه به خوبی آگاه است. آرمان‌گرایی چیزی است و انتشار مجله چیز دیگری، آن هم دور از مرکز. من نیک می‌دانم که سردبیر مترجم سخت گرفتار است (این صفت البته برازنده همه ماست) و در این چند سال اخیر انتشار مترجم به لطف علیرضا اکبری دوام یافته است. اما این روش نمی‌تواند تا ابد پیش رود. نسل جدیدی از محققان مطالعات ترجمه در ایران شکل گرفته که محتاج نشریات معتبری برای انتشار تحقیقات خود به فارسی هستند. مترجم می‌تواند به خاطر سابقه خود، چنین بستری را فراهم کند. اما نسل جدید، رویکردی جدید و نگاهی نو مطابق با استانداردهای بین‌المللی می‌طلبد. مترجم باید خانه‌تکانی کند و رخت نو بر تن کند، اما این بار در قامت نشریه‌ای علمی و معتبر: هم برای خواننده دانشگاهی آن، و هم برای خواننده عمومی‌تر آن، بی‌آنکه در ورطه روزنامه‌نگاری بیفتد. من خود روزنامه‌نگاری کرده‌ام و نیک می‌دانم فاصله روزنامه‌نگاری تا علمی‌نویسی فاصله‌ای است بزرگ. <sup>۲۵</sup>

۳۱ اکتبر ۲۰۱۱، آستن، تگزاس

۱. قابل بازیابی از <http://www.magiran.com>

۲. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. [http://www.est-translationstudies.org/resources/journal\\_rankings\\_statement.html](http://www.est-translationstudies.org/resources/journal_rankings_statement.html)

۳. قابل بازیابی از <http://www.benjamins.com/jbp/series/Target/guidelines.pdf>